

نقد و تحلیل مبانی فقهی ماده ۶۱۹ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲

صدیقه حاتمی* محمد رضا علمی سولا** محمد حسن حائری***

(تاریخ دریافت: ۹۶/۱۲/۲۳ تاریخ پذیرش: ۹۷/۹/۷)

چکیده

در باب میزان دیه دندانی که به تیرگی گراییده و سیاه شده است (السن الأسود) فتاوی اصحاب امامیه مختلف و متفاوت است، به طوری که تتبع جستار حاضر در میراث مکتوب فقهی وجود چهار نظریه را در فرض مسئله شناسایی کرده است: ۱- ثبوت ثلث دیه دندان سالم؛ ۲- ثبوت ربع دیه دندان سالم؛ ۳- ثبوت ارش؛ و ۴- دیدگاه تفصیلی (ثبوت ثلث دیه در دندان سیاه فاسد و ثبوت ارش در دندان سیاه غیر فاسد). اگرچه قانونگذار قانون مجازات اسلامی از بین آراء موجود، دیدگاه مشهور (ثبوت ثلث دیه) را برگزیده و این امر را در ماده ۶۱۹ به قرار ذیل انعکاس داده است: «... دیه دندانی که قبلاً سیاه شده است، یک سوّم دیه همان دندان است»، برآیند پژوهش حاضر حاکی از ضعف دیدگاه مزبور است. این نوشتار در پژوهشی توصیفی-تحلیلی و با نگاهی مسئله محور، پس از تبیین اقوال موجود در مسئله، به ارزیابی و تحلیل آنها همت گمارده و اعتبار آنها را در ترازوی فقهت سنجیده است. نتایج تحقیق نشان می دهند که تنها دیدگاهی که به نحوی موجه دفاع کردنی است قول به ثبوت ربع دیه در فرض بحث است؛ این نظریه اگرچه مخالف برداشت مشهور فقیهان امامی است، معدودی از متقدمان و برخی از فقهای معاصر را با خود همراه کرده است.

واژگان کلیدی: دندان سیاه، ثلث دیه، ربع دیه، ثبوت ارش.

* دانشجوی دکتری فقه و مبانی حقوق اسلامی دانشگاه فردوسی، مشهد، ایران

** استادیار فقه و مبانی اسلامی دانشگاه فردوسی، مشهد، ایران (نویسنده مسئول): elmsola@um.ac.ir

*** استاد فقه و مبانی حقوق اسلامی دانشگاه فردوسی، مشهد، ایران.

مقدمه

از جمله اعضای بدن انسان که در شریعت برای آن دیه مقدر شده دندانی است که به جهاتی به تیرگی گراییده و سیاه شده است. فقهای امامیه در اصل ثبوت دیه در فرضی که شخصی چنین دندانی را از بین ببرد اتفاق نظر دارند، اما در باب میزان دیه دیدگاه واحدی در بین فقیهان مشاهده نمی‌شود. از این رو، سؤال اصلی پژوهش حاضر این است که دیه اسقاط دندان سیاه به چه میزان است؟ در پاسخ به پرسش مزبور، مشهور فقیهان قائل به ثبوت ثلث دیه دندان سالم شده‌اند؛ در مقابل، برخی از فقیهان قائل به ربع دیه دندان سالم، برخی قائل به ارش و گروهی نیز قائل به تفصیل شده‌اند.

البته لازم به ذکر است که مراد از تیرگی دندان سیاهی‌ای است که بر اثر جنایت و یا عیب و عارضه‌ای بر دندان حادث شود. بنابراین، اگر دندان به حسب خلقت سیاه باشد، در کندن چنین دندانی دیه کامل همان دندان ثابت است. به عبارت دیگر، در دندان‌ها، بین سفید و زرد و سیاه، در صورتی که رنگ آنها اصلی باشد، نه آنکه به خاطر عارضه و عیبی تغییر رنگ داده باشند، فرقی نیست و دیه کامل همان دندان ثابت است (محقق حلی، ۱۴۰۸ ق: ج ۴، ۲۴۹؛ علامه حلی، ۱۴۲۰ ق: ج ۵، ۶۰۲؛ شهید ثانی، ۱۴۱۳ ق: ج ۱۵، ۳۹۷؛ خمینی، ۱۴۲۷ ق: ج ۲، ۵۷۷). مستند این امر اطلاق ادله و مستندات است که بر ثبوت دیه در از بین بردن دندان‌ها دلالت دارند، بدون اینکه تفاوتی از حیث رنگ برای آنها برشمرده باشند (فاضل هندی، ۱۴۱۶ ق: ج ۱۱، ۳۶۲؛ حسینی عاملی، ۱۳۲۶ ق: ج ۱۰، ۴۱۶؛ نجفی، ۱۴۰۴ ق: ج ۴۳، ۲۳۳). همچنین، اقتضای عدالت اسلامی چنین است که بین دندان‌ها فرق نباشد و تفاوت در سفیدی و زردی و سیاهی باعث تفاوت در ارزش آنها نباشد؛ این موضوع مانند قطع اعضای بدن شخص سفیدپوست، سیاه‌پوست یا زرد و قرمزپوست است که این رنگ‌بندی به طبیعت و خلقت انسان برمی‌گردد و باعث تفاوت در ارزش مادی و معنوی نخواهد شد.

در این نوشتار ابتدا دیدگاه‌های موجود در مسئله از خلال متون فقهی امامیه استخراج می‌شوند و مستندات آنها در محک فقه تبیین و تحلیل می‌شوند و پس از ارزیابی تمامی دیدگاه‌ها و مستندات موجود، قول مختار تبیین می‌شود.

۱. اقوال فقیهان

به طور کلی، نظرات موجود در زمینه دیه دندان سیاه را می‌توان در ذیل چهار دسته طبقه‌بندی کرد:

۱. ثبوت ثلث دیه دندان سالم (دیدگاه مشهور)؛
۲. ثبوت ربع دیه دندان سالم (دیدگاه شیخ طوسی در نهاییه، ابن براج، ابن سعید، خویی، محمد سعید حکیم، جواد تبریزی)؛
۳. ثبوت ارش (دیدگاه شیخ طوسی در مبسوط، شهید ثانی، فیض کاشانی، مقدس اردبیلی، موسوی اردبیلی)؛
۴. دیدگاه تفصیلی، یعنی ثبوت ثلث دیه در دندان سیاه فاسد و ثبوت ارش در دندان سیاه غیرفاسد، ولی احوط تراضی میان جانی و مجنی‌علیه بر ربع دیه دندان سالم است (دیدگاه عبدالعلی سبزواری).

۱-۱. دیدگاه نخست (ثبوت ثلث دیه)

مشهور فقیهان امامیه در این دسته قرار می‌گیرند. ایشان معتقدند اگر دندان تیره‌ای که آسیب دیده است از دندان‌های قدامی باشد، ثلث پنجاه دینار و اگر در ناحیه عقب دهان باشد، ثلث بیست و پنج دینار ثابت است. البته کلمات فقیهان در معرفی این دیدگاه متفاوت است؛ برخی با لفظ «مشهور» از آن یاد کرده‌اند (خویی، ۱۴۲۲ ق: ج ۲، ۳۶۷؛ مدنی کاشانی، ۱۴۰۸ ق: ۲۱۳) و برخی آن را به «اشهر» نسبت داده‌اند (محقق حلی، ۱۴۰۸ ق: ج ۴، ۲۴۹؛ فیض کاشانی، بی‌تا: ج ۲، ۱۵۰؛ طباطبائی، ۱۴۱۸ ق: ج ۱۶، ۴۶۲).

قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ نیز در این زمینه در ذیل ماده ۶۱۹ از نظریه مشهور پیروی کرده است. این ماده مقرر می‌دارد: «در میزان دیه تفاوتی میان دندان‌هایی که رنگ‌های گوناگون دارند وجود ندارد و اگر دندانی در اثر جنایت سیاه شود و نیفتد دیه آن دوسوم دیه همان دندان است و دیه دندانی که قبلاً سیاه شده است، یک‌سوم دیه همان دندان است». ذیل ماده نسبت به صدر ماده در حکم خاص نسبت به عام است، چه اینکه در ابتدا تمام رنگ‌های دندان را دارای یک حکم می‌داند، اما در ذیل ماده رنگ سیاه را استثناء می‌کند و حکمی خاص را (ثبوت یک‌سوم دیه همان دندان) برای آن بیان می‌دارد. به عبارتی صدر ماده را باید با توجه به انتهای ماده تفسیر کرد، یعنی دیه کندن دندان‌هایی که دارای رنگ‌های مختلف باشند یکسان و دارای دیه کامل همان دندان است، مگر اینکه رنگ دندان سیاه باشد که دیه آن یک‌سوم دیه آن دندان است.

با پژوهش در میراث مکتوب فقهی، ظاهراً نخستین فقهی که بدین دیدگاه متمایل شده است شیخ صدوق از فقیهان و محدثان شهیر قرن چهارم هجری است که در «المقنع» در این باره چنین می‌نگارد: «در از بین رفتن دندان سیاه، ثلث دیه همان دندان ثابت است» (صدوق، ۱۴۱۵: ق: ۵۱۲). پس از ایشان، شیخ طوسی در «خلاف» (طوسی، ۱۴۰۷: ج ۵، ۲۴۶)، ابن زهره در «غنیه» (ابن زهره، ۱۴۱۷: ق: ۴۱۸)، ابن حمزه در «وسیله» (ابن حمزه، ۱۴۰۸: ق: ۴۴۸)، قطب‌الدین کیدری در «اصباح» (کیدری، ۱۳۰۰: ق: ۵۰۵) و ابن ادریس در «سرائر» (ابن ادریس، ۱۴۱۰: ق: ۳، ۳۸۶) به دیدگاه مزبور گرویده‌اند. ابن‌براج نیز به نقل از برخی فقها در «مهذب» دیدگاه ثلث دیه و در «کامل» دیدگاه ربع دیه را پذیرفته است (ر.ک: علامه حلی، ۱۴۱۳: ج ۹، ۳۸۷؛ ابن‌فهدحلی، ۱۴۰۷: ج ۵، ۳۲۹). البته نگارنده با تتبع در «مهذب» موفق به یافتن چنین موضعی از ایشان نشد و کتاب‌الکامل وی نیز در دسترس نیست. محقق حلی، صاحب شرایع، نیز از موافقان دیدگاه مشهور است: «اگر دندان پس از سیاه شدن بیفتد، برای آن بنا بر اشتهار یک‌سوم دیه ثابت است» (محقق حلی، ۱۴۰۸: ج ۴، ۲۴۹). علامه حلی فقیه کثیرالتألیف امامی نیز در آثار مختلف فقهی خود از نظریه مشهور پیروی کرده است (علامه حلی، ۱۴۱۰: ج ۲، ۲۳۸؛ علامه حلی، ۱۴۲۰: ق:

ج ۵، ۶۰۲؛ علامه حلی، ۱۴۲۱ ق: ۳۶۴؛ علامه حلی، ۱۴۱۳ ق: ج ۳، ۶۷۷؛ علامه حلی، ۱۴۱۳ ق: ج ۹، ۳۸۷). شهید ثانی فقیه شیعی قرن دهم هجری در این زمینه دو قول دارد؛ وی در «روضه» قائل به ثبوت ثلث دیه در فرض مسئله شده است، اما در «مسالك» به ثبوت ارش متمایل شده است (شهید ثانی، ۱۴۱۰ ق: ج ۱۰، ۲۱۸؛ شهید ثانی، ۱۴۱۳ ق: ج ۱۵، ۴۲۳). پس از ایشان، صاحب ریاض نیز ضمن اشاره به اشهر بودن دیدگاه مزبور، مطابق همین قول فتوا می‌دهد: «دیه کندن دندان سیاه ثلث دیه همان دندان سالم است» (طباطبائی، ۱۴۱۸ ق: ج ۱۶، ۴۶۲). پاره‌ای از فقیهان معاصر نیز به دیدگاه مزبور گرویده‌اند؛ برای نمونه، امام خمینی در تحریرالوسیله ثبوت ثلث دیه در کندن دندان سیاه شده را احوط دانسته است (خمینی، ۱۴۲۷ ق: ج ۲، ۵۷۷). مرحوم مدنی کاشانی نیز معتقد است: «اگر دندان سیاه شود و دیگری آن را بکند، بر جانی ثلث دیه همان دندان ثابت است» (مدنی کاشانی، ۱۴۰۸ ق: ۲۱۳).

تتبع در کلمات فقیهانی که در این گروه قرار می‌گیرند بیانگر این است که ایشان در اثبات مدّعی خویش به ادله مختلفی تمسک جسته‌اند:

الف- اجماع

شیخ طوسی در «خلاف» بر این قول ادّعی اجماع کرده است (طوسی، ۱۴۰۷ ق: ج ۵، ۲۴۷). ظاهر «غنیه» نیز حکایت از اجماعی بودن فرض مسئله دارد (ابن زهره، ۱۴۱۷ ق: ۴۱۹) و صاحب ریاض اذعان به حجّیت و وجاهت چنین اجماعی کرده است (طباطبائی، ۱۴۱۸ ق: ج ۱۶، ۴۶۲).

ب- روایت عبدالرحمان عرزمی

وی از امام صادق (ع) و ایشان از پدرشان (ع) نقل می‌کند که حضرت فرمودند: «أَنَّهُ جُعِلَ فِي السَّنِّ السَّوْدَاءِ ثُلُثُ دِيَّتِهَا» (طوسی، ۱۴۰۷ ق: ج ۱۰، ۲۷۵)، یعنی در از بین بردن دندان سیاه یک سوّم دیه دندان سالم ثابت است.

پ- روایت حکم بن عتیبه

راوی از امام صادق (ع) نقل می‌کند که حضرت فرمودند: «كُلُّ مَا كَانَ مِنْ شَلَلٍ فَهُوَ عَلَى الثُّلْثِ مِنْ دِيَةِ الصَّحَّاحِ» (کلینی، ۱۴۰۷ ق: ج ۷، ۳۳۰)، یعنی هر عضوی که فلج شود دیه آن یک سوّم دیه عضو سالم است.

البته می‌توان چنین نیز برداشت کرد که دندان سیاه شده فلج محسوب می‌شود و در مورد میزان دیه دندان آن، قاعده کلی «كلما كان من شلل فهو على الثلث» جاری است (ابن فهد، ۱۴۰۷ ق: ج ۵، ۳۰۴؛ اردبیلی، ۱۴۰۳ ق: ج ۱۴، ۳۹۲؛ خوانساری، ۱۴۰۵ ق: ج ۶، ۲۳۳).

ت- دلیل اعتباری

از آنجا که دیه سیاه شدن دندان بر اثر جنایت دو ثلث دیه دندان سالم است و در این صورت، فقط ثلث دیه باقی مانده است، پس به تبع در افتادن دندان سیاه فقط همین مقدار ثابت می‌شود، یعنی دو سوّم دیه بر عهده ضارب و یک سوّم بر عهده مسقط است (علامه حلی، ۱۴۱۳ ق: ج ۹، ۳۸۷؛ اردبیلی، ۱۴۰۳ ق: ج ۱۴، ۳۹۲؛ فاضل هندی، ۱۴۱۶ ق: ج ۱۱، ۳۵۴؛ حسینی عاملی، ۱۳۲۶ ق: ج ۱۰، ۴۱۸؛ طباطبائی، ۱۴۱۸ ق: ج ۱۶، ۴۶۳).

۲-۱. دیدگاه دوّم (ثبوت ربع دیه دندان سالم)

برخی از فقیهان در فرض مسئله قائل به ثبوت ربع دیه دندان سالم شده‌اند؛ اگر دندان‌ها قدامی باشند، ربع پنجاه دینار و اگر در ناحیه عقب دهان باشند، ربع بیست و پنج دینار ثابت است. اگرچه فقهای که بدین دیدگاه گرویده‌اند در اقلیت هستند، دامنه زمانی ایشان از روزگار شیخ طوسی تا دوران معاصر را دربر می‌گیرد.

ظاهراً شیخ طوسی نخستین فقیهی است که در اثر فتوایی خود «نهایه» این دیدگاه را برگزیده است. وی معتقد است: «در کندن دندان سیاه شده، یک چهارم دیه دندان سالم ثابت است» (طوسی، ۱۴۰۰ ق: ۷۶۷). ابن سعید حلی نیز در «جامع الشرائع» از این دیدگاه شیخ پیروی کرده است: «به کندن دندان سیاه، ربع دیه دندان سالم تعلق می‌گیرد و روایت شده که ثلث دیه دندان

سالم ثابت است» (ابن سعید، ۱۴۰۵ ق: ۵۹۲). ظاهراً آن گونه که علامه حلی و صاحب مفتاح الکرامه گزارش کرده‌اند، ابن‌براج نیز در «الکامل» دیدگاه فوق را پذیرفته است (علامه حلی، ۱۴۱۳ ق: ج ۹، ۳۸۷؛ حسینی عاملی، ۱۳۲۶ ق: ج ۱۰، ۴۱۸).

این دیدگاه اقبال برخی از معاصران را نیز در پی داشته است. از باب نمونه آیت‌الله خویی با پذیرش دیدگاه فوق معتقد است: «اگر ضربه‌ای به دندان وارد شود، یک سال مهلت داده می‌شود، اگر دندان افتاد، ضارب دیه آن را می‌پردازد و اگر نیفتاد و سیاه شد، دوسوم دیه آن را باید پردازد و اگر بعد از سیاه شدن دندان بیفتد، بنا بر نظر مشهور باید یک‌سوم دیه دندان پرداخت شود. ولی این نظر اشکال دارد و اظهر آن است که در آن یک‌چهارم دیه دندان ثابت است» (خویی، ۱۴۲۲ ق: ج ۲، ۳۶۷). محمد سعید حکیم و مرحوم جواد تبریزی از دیگر فقیهان معاصری هستند که مقتضای ادله را پذیرش این قول دانسته‌اند (حکیم، ۱۴۱۵ ق: ج ۳، ۳۰۰؛ تبریزی، ۱۴۲۸ ق: ۱۷۱). مستندات دیدگاه ثبوت ربع دیه به قرار ذیل است:

الف- روایت عجلان از امام صادق (ع)

در اثبات این قول همان گونه که برخی از فقیهان گفته‌اند (ر.ک: محقق حلی، ۱۴۱۲ ق: ج ۳، ۴۳۷)، می‌توان به روایت عجلان از امام صادق (ع) استناد جست: «فِي دِيَةِ السِّنِّ الْأَسْوَدِ رُبْعُ دِيَةِ السِّنِّ» (طوسی، ۱۴۰۷ ق: ج ۱۰، ۲۶۱؛ حرّ عاملی، ۱۴۰۹ ق: ج ۲۹، ۳۴۹)، یعنی دیه دندان سیاه یک‌چهارم دیه دندان سالم است.

ب. معتبره ظریف

ظریف از امام علی (ع) نقل می‌کند که حضرت فرمودند: «اگر دندان بعد از سیاه شدن بیفتد، دیه آن دوازده دینار و نیم است» (کلینی، ۱۴۰۷ ق: ج ۷، ۳۳۳)، با این بیان که دیه دندان در روایت پنجاه دینار فرض شده است؛ پس دوازده و نیم دینار در واقع یک‌چهارم دیه دندان می‌شود (خویی، ۱۴۲۲ ق: ج ۲، ۳۶۹). مرحوم خویی برخلاف فقیهان متقدم و متأخر که جهت اثبات این دیدگاه به روایت عجلان استناد کرده‌اند، ضمن تضعیف خبر عجلان، در این مورد با استظهار از روایت ظریف، دیدگاه مزبور را برگزیده است.

۳-۱. دیدگاه سوّم (ثبوت ارش)

برخی از فقیهان امامیه برخلاف دو دیدگاه پیشین، که در فرض مسئله قائل به دیه معین بودند، قائل به ثبوت ارش شده‌اند. این نظریه مختار شیخ طوسی در «مبسوط» است: «اگر کسی دندان سیاه را بکند، باید ارش پرداخت کند» (طوسی، ۱۳۸۷ ق: ج ۷، ۱۴۲). برخی از فقیهان از قبیل شهید ثانی در «مسالك الافهام» به این دیدگاه تمایل یافته‌اند (شهید ثانی، ۱۴۱۳ ق: ج ۱۵، ۴۲۳). فیض کاشانی نیز در «مفاتیح الشرائع» این قول را نیکو دانسته است (فیض کاشانی، بی‌تا: ج ۲، ۱۵۰). دیدگاه مزبور مختار بعضی از فقیهان معاصر نیز قرار گرفته است (موسوی اردبیلی، ۱۴۱۶ ق: ۴۳۴).

ادله‌ای که از خلال مطالعه آثار قائلان به این دیدگاه به دست می‌آیند از قرار ذیل هستند:

الف- عمل به قدر متیقّن

چنین استدلال شده است که قدر متیقّن در فرض مسئله ثبوت ارش است و در مقدار مازاد که در روایت عرزمی آمده است (ثلث دیه) براءت جاری می‌شود؛ زیرا روایت عرزمی ضعیف است و از این رو اصل براءت از میزان زائد جاری می‌شود (صیمری، ۱۴۲۰ ق: ج ۴، ۴۵۲؛ ابن فهد، ۱۴۰۷ ق: ج ۵، ۳۲۸؛ شهید ثانی، ۱۴۱۳ ق: ج ۱۵، ۴۲۳؛ اردبیلی، ۱۴۰۳ ق: ج ۱۴، ۳۹۳؛ فیض کاشانی، بی‌تا: ج ۲، ۱۵۰). فقیهان این گروه دلیل ثبوت دیه مقدر (روایت عرزمی و یا روایت عجلان) را ضعیف دانسته‌اند؛ از این رو، در این مورد قائل به ثبوت ارش شده‌اند.

ب- فلج نبودن دندان سیاه

دلیل دیگری که صاحب جواهر بر این قول محتمل دانسته است فلج نبودن دندان سیاه است، با این توضیح که دیه دوسوم برای فلج شدن عضو است و فلج شدن دندان فقط با زوال منافع رخ می‌دهد، ولی دندان سیاه کاربرد دارد؛ پس شل (فلج) محسوب نمی‌شود (نجفی، ۱۴۰۴ ق: ج ۴۳، ۲۳۸).

۱-۴. دیدگاه چهارم (نظریه تفصیلی)

مرحوم سبزواری در «مذهب الاحکام» تفصیلی را ارائه کرده است که در واقع به نظر می‌رسد ترکیبی از سه دیدگاه پیشین است؛ گویی ایشان جهت رفع اختلافات میان اقوال موجود، با ارائه چنین دیدگاهی در صدد جمع میان آنها برآمده است، بدین صورت که در کندن دندان سیاهی که سیاهی آن اصلی و به حسب خلقت باشد دیه کامل دندان ثابت است، اما اگر سیاهی دندان عارضی و به سبب عیب باشد،^۱ چنانچه سیاهی عارضی دندان کاشف از خلل در آن باشد، ثلث دیه همان دندان ثابت است و چنانچه سیاهی عارضی دندان کاشف از خلل در دندان نباشد، بلکه به دلیل زشت بودن دندان باشد، در این صورت ارش ثابت است. وانگهی، احوط آن است که حاکم شرع جانی و مجنی علیه را به تراضی بر ربع دیه دندان سالم ترغیب کند (سبزواری، ۱۴۱۳ ق: ج ۲۹، ۱۹۸).

فقیه مذکور جهت اثبات مدّعی خود در ثبوت ثلث دیه به اجماع و روایت منجبره عرزمی، که ذکر آن پیش تر گذشت، استناد کرده است و در ثبوت ربع دیه، دیدگاه خود را به روایت عجلان از امام صادق (ع) و روایت ظریف از امام علی (ع)، که به آنها اشاره شد، معلّل کرده است.

۲. تحلیل و ارزیابی اقوال

۲-۱. نقد نظریه ثبوت ثلث دیه

الف- به نظر می‌رسد ادّعی فقیهانی که با طرح تحقیق اجماع در مسئله در صدد اثبات مدّعی خویش برآمده‌اند خالی از مناقشه نیست؛ زیرا نخست، موضع بسیاری از متقدّمان امامی از قبیل ابن ابی عقیل عمانی، ابن جنید اسکافی، شیخ مفید در «المقنعه»، سید مرتضی علم الهدی در «المسائل الناصریات» و «الانتصار» و ابوالصلاح حلبی در «الکافی» در فرض مسئله مشخص نیست.

۱. زیرا منساق از روایت عرزمی، سیاهی عارض بر دندان است، نه سیاهی اصلی و خلقتی دندان.

با وجود این، چگونه می‌توان در چنین حالتی ادعای اجماع کرد؟ دوّم، اجماعات خلاف و غنیه محلّ طعن است و مخالفت خود شیخ در نهاییه و مبسوط شاهدهی بر این ادعاست؛ زیرا شیخ طوسی در دو کتاب دیگر خویش (نهاییه و مبسوط) دو عقیده متفاوت را ابراز کرده است. از این رو، بر نقل چنین اجماعی ارزشی مترتب نمی‌شود. سوّم، حتی با پذیرش مطلب فوق و قبول تحقّق اجماع، با محذور دیگری مواجه خواهیم شد و آن اینکه به دلیل مدرکی یا دست کم احتمال مدرکی بودن (وجود روایات)، کاشفیت اجماع از رأی معصوم به شدت محلّ تردید خواهد بود؛ زیرا همان گونه که گفته‌اند حجّیت اجماع به واسطه کشف قول معصوم (ع) است و از آنجا که مستند اجماع مدرکی مشخص است، فقیه می‌تواند با مراجعه به دلیل، اعتبار آن را سنجیده و بر طبق آن فتوا دهد. از این رو، ارزش اجماع مدرکی همانند ارزش مدرک آن است و جز آن اعتبار دیگری ندارد.

ب- استناد به روایت عرزمی نیز از این جهت مورد مناقشه است که وثاقت راوی مزبور محلّ تردید است. افزون بر آن، راوی دیگری به نام «یوسف بن حارث» در سلسله سند روایت وجود دارد که وضعیتی وی نیز عاری از ضعف نیست. از این رو، مطابق مبانی رجالی، خبر مزبور ضعیف شمرده می‌شود؛ پاره‌ای از فقیهان رجالی نیز بر این امر صحّه نهاده‌اند (خویی، ۱۴۲۲ ق: ج ۲، ۳۶۹؛ موسوی اردبیلی، ۱۴۱۶ ق: ۴۳۴).

البته برخی به اشکال مزبور چنین پاسخ داده‌اند: «ضعف روایت به عمل مشهور جبران می‌شود» و یا به عبارتی «عمل مشهور جابر ضعف سندی روایت است» (حسینی عاملی، ۱۳۲۶ ق: ج ۱۰، ۴۱۸؛ روحانی، ۱۴۱۲ ق: ج ۲۶، ۲۶۹؛ فاضل لنکرانی، ۱۴۱۸ ق: ۱۶۰). اما چنین پاسخی نمی‌تواند رافع اشکال باشد؛ زیرا حتی در فرض پذیرش این مبنا (برای دیدن نظر مخالف ر.ک: خویی، ۱۳۷۷ ش: ج ۲، ۲۰۱)، عمل مشهور به روایت ضعیف در صورتی جابر ضعف سند است که فقهای متقدّم به اعتبار نزدیکی به عصر معصومان (ع) به روایت استناد و عمل کرده باشند (ر.ک: مکارم شیرازی، ۱۴۲۸ ق: ج ۳، ۵۲۴؛ مظفر، ۱۴۳۰ ق: ج ۳، ۲۵۳؛ حکیم، ۱۴۱۸ ق: ج ۱، ۲۲۱؛ نائینی، ۱۳۵۲ ش: ج ۲، ۱۵۹)، حال آنکه هیچ کدام از فقیهان متقدّم متعرّض روایت مزبور نشده‌اند

و ظاهراً محقق حلی نخستین فقیهی است که در یکی از آثار خود به این روایت استناد کرده است (محقق حلی، ۱۴۱۲ ق: ج ۳، ۴۳۷).

پ- بر کاربرد روایت حکم بن عتیبه و یا قاعده «کلما کان من شلل فهو علی الثلث» در مورد دندان سیاه شده نیز ایراد وارد است؛ زیرا دلیل اخص از مدعا است، چراکه مراد از فلج شدن عضو این است که کاربرد و منافع عضو زائل شود، اما در مورد دندان سیاه شده، گاه با سیاه شدن دندان، تمام و یا برخی از منافع آن زائل می شوند و گاه در اثر جنایت وارده، صرفاً دندان سیاه می شود، اما منافع آن همچنان باقی می ماند. از این رو، نمی توان سیاه شدن دندان را به صورت مطلق فلج شدن آن محسوب کرد. بسیاری از فقیهان نیز گویی در فلج دانستن دندان سیاه به طور مطلق تردید داشته و از این رو استناد به روایت و قاعده مزبور را به فرض «فلج محسوب شدن دندان سیاه» مقید کرده اند (فاضل هندی، ۱۴۱۶ ق: ج ۱۱، ۳۶۴؛ حسینی عاملی، ۱۳۲۶ ق: ج ۱۰، ۴۱۸؛ طباطبائی، ۱۴۱۸ ق: ج ۱۶، ۴۶۲؛ نجفی، ۱۴۰۴ ق: ج ۴۳، ۲۳۸؛ فاضل لنکرانی، ۱۴۱۸ ق: ۱۶۰).

ت- بر استدلال اعتباری «باقی ماندن ثلث دیه دندان پس از ثبوت دو ثلث دیه دندان با سیاه شدن آن» نیز چنین ایراد وارد شده است که چنین استظهاری استحسان محض است و طبیعتاً در استنباط حکم شرعی استحسان نمی تواند مبنای عمل قرار گیرد (خویی، ۱۴۲۲ ق: ج ۲، ۳۶۹). بنابراین، نمی توان از آن به عنوان دلیل و منبع استنباط حکم استفاده کرد، چراکه چنین استدلالی ظنی است و ظن مادامی که دلیلی بر حجیت آن اقامه نشده است فاقد اعتبار است (موسوی اردبیلی، ۱۴۱۶ ق: ۴۳۳). برخی به اشکال مزبور چنین پاسخ داده اند که استدلال مزبور (باقی ماندن ثلث دیه دندان پس از ثبوت دو ثلث دیه دندان با سیاه شدن آن) در واقع استظهار از روایت عبدالله بن سنان است، نه استحسان (قبله ای خویی، ۱۳۹۴: ۱۳۲). در صحیح عبدالله بن سنان آمده است که امام صادق (ع) فرمودند: «اگر دندان مورد اصابت قرار گیرد، یک سال صبر می شود. اگر افتاد، ضارب پانصد درهم بدهکار می شود و اگر نیفتاد ولی سیاه شد، دوسوم دیه دندان به عهده ضارب

است^۱ (کلینی، ۱۴۰۷ ق: ج ۷، ۳۳۴؛ صدوق، ۱۴۱۳ ق: ج ۴، ۱۳۵ و ۱۳۶؛ طوسی، ۱۴۰۷ ق: ج ۱۰، ۲۴۱). وانگهی، چنانکه مشخص است، روایت عبدالله بن سنان در مقام بیان میزان دیه جنایت سیاه کردن دندان است که دو ثلث دیه دندان سالم است، اما نه ظاهراً و نه مفهوماً بر ثبوت ثلث دیه بر اسقاط دندان سیاه شده دلالتی ندارد. مرحوم تبریزی در کتاب تنقیح مبانی الاحکام با تأمل در چنین استفاده‌ای از روایت عبدالله بن سنان اذعان می‌دارد نهایت چیزی که از این روایت می‌توان گفت اینکه مستفاد از روایت این است که دیه اسقاط دندان سیاه نباید از ثلث دیه دندان بیشتر باشد؛ زیرا سبب می‌شود از دیه اصلی دندان بیشتر شود. اما نمی‌توان از روایت برای ثبوت ثلث دیه در اسقاط دندان سیاه استفاده کرد (تبریزی، ۱۴۲۸ ق: ۱۷۱).

۲-۲. نقد نظریه ثبوت ارش

اکثر فقیهان امامی این دیدگاه را به دلیل وجود دیه مقدر شرعی نپذیرفته‌اند؛ پیروان دیدگاه ثلث دیه روایت عزیمی را مبین دیه مقدر شرعی قرار داده‌اند و پیروان دیدگاه ربع دیه و نیز متقدمین و متأخرین آنها روایت عجلان و مرحوم خوبی روایت ظریف را مبین دیه مقدر شرعی می‌دانند (خویی، ۱۴۲۲ ق: ج ۲، ۳۷۰ و ۳۷۱). از این رو، گفته شده است از آنجا که در این مورد دیه مقدر شرعی وجود دارد، نوبت به ارش نمی‌رسد و قائل شدن به ثبوت ارش مانند اجتهاد در مقابل نص است (نجفی، ۱۴۰۴ ق: ج ۴۳، ۲۳۸). بسیاری از فقیهان نیز نهایتاً اذعان داشته‌اند که اگر دیه مقدر شرعی وجود نداشت، قول به ارش نظری صحیح می‌نمود (طباطبائی، ۱۴۱۸ ق: ج ۱۶، ۴۶۳؛ خویی، ۱۴۲۲ ق: ج ۲، ۳۷۱).

۳-۲. نقد دیدگاه تفصیلی

بر دیدگاه مرحوم سبزواری مناقشاتی به قرار ذیل وارد هستند:

۱. «السِّنُّ إِذَا ضُرِبَتْ اُنْتِظِرَ بِهَا سَنَةٌ فَإِنْ وَفَعَتْ اُغْرِمَ الضَّارِبُ خَمْسَمِائَةَ دِرْهَمٍ وَإِنْ لَمْ تَفْعَ وَ اسْوَدَّتْ اُغْرِمَ ثَلَاثِي دِيَّتِهَا».

الف- چنانکه پیش تر بیان شد، استناد به اجماع در فرض مسئله از جهات مختلف خدشه پذیر است.

ب- پیش تر آمد که روایت عجلان به دلیل وجود رُوات مجهول، فطحی و یا واقفی مذهب در سلسله سند آن ضعیف و در نتیجه استنادناپذیر است.

پ- پیش تر بیان شد که در مورد کندن دندان سیاه دیه مقرر شرعی وجود دارد. از این رو، ثبوت ارش در این مورد صحیح به نظر نمی‌رسد.

ت- به نظر می‌رسد مهم‌ترین ایرادی که بر مختار مرحوم سبزواری وارد است این است که ایشان میان سیاهی عارضی ناشی از خلل در دندان و سیاهی عارضی ناشی از زشتی دندان تفکیک کرده است و در فرض دوّم قائل به ارش شده است. به عبارتی ایشان قائل به انصراف اطلاق روایت عرزمی به سیاهی ناشی از خلل در دندان شده است، اما چنین انصرافی صحیح نیست؛ زیرا منشأ انصراف کثرت استعمال لفظ مطلق در مقید است، حال آنکه در روایت عرزمی لفظ «السَّوْدَاء» مطلق است و شامل هر دو نوع سیاهی عارضی خواه سیاهی ناشی از خلل در دندان یا ناشی از زشتی دندان می‌شود و لفظ در هیچ کدام از این معانی کثرت استعمال ندارد. بنابراین، جمعی که ایشان بدان نظر داشته‌اند بیشتر به جمع تبرّعی شباهت دارد که دلیلی بر اعتبار آن در شرع وجود ندارد.

۳. نظریه برگزیده

به نظر می‌رسد با ردّ سایر اقوال موجود در مسئله، تنها نظریه‌ای که به نحوی موجه دفاع کردنی است دیدگاهی است که قائل به ثبوت ربع دیه در فرض بحث شده است؛ البته حجّیت این دیدگاه از جهت معتبر بودن روایتی نیست که در ظاهر مستند برخی از فقیهان متقدم قرار گرفته است (روایت عجلان)، چراکه روایت مزبور هم از جهت سند و هم از جهت دلالت در غایت ضعف و اشکال است؛ زیرا نخست، «علی بن محمد بن حسین» و «محمد بن یحیی» افرادی مجهول و ناشناس هستند؛ دوّم، «حسن بن علی بن فضال» و «عبدالله بن بکیر» فطحی مذهب هستند؛ سوّم،

«عجلان» مردّد و مشترک است بین ثقه و ضعیف؛ و چهارم، «درست بن منصور» واقفی مذهب است (ر.ک: محقق حلّی، ۱۴۱۲ ق: ج ۳، ۴۳۷؛ ابن فهد، ۱۴۰۷ ق: ج ۵، ۳۰۴؛ شهید ثانی، ۱۴۱۳ ق: ج ۱۵، ۴۲۳؛ روحانی، ۱۴۱۲ ق: ج ۲۶، ۲۷۰). بنابراین، روایت مزبور نمی‌تواند مبنای عمل قرار گیرد (خوانساری، ۱۴۰۵ ق: ج ۶، ۲۳۳).

همچنین، از نظر دلالت نیز بر خبر فوق این اشکال وارد است که لازمه پذیرش مفاد آن این است که دیه دو بار جنایت بر دندان از دیه یک بار جنایت بر آن کمتر باشد، بدین معنا که اگر کسی به یک باره دندان فردی را از بین ببرد، دیه آن ۵۰ و یا ۲۵ دینار است، ولی اگر کسی یک بار دندان را سیاه کند و بار دیگر دندان سیاه شده را بکند، بنا بر قول مزبور، دیه‌اش از جنایت اول کمتر خواهد بود و این مطلب بعید است (محقق حلّی، ۱۴۱۲ ق: ج ۳، ۴۳۷؛ نجفی، ۱۴۰۴ ق: ج ۴۳، ۲۳۸).

البته برخی از فقها از ایراد مزبور جوابی را متصور شده‌اند، بدین شکل که شاید علت کمتر بودن دیه دو جنایت از یک جنایت آن است که دو جنایت در دو زمان واقع شده‌اند و بعد از جنایت اول تا زمان جنایت دوم امکان استفاده از منافع دندان وجود داشته است، برخلاف کندن یک باره دندان که با کندن دندان، تمام منافع آن نیز از بین می‌روند (ابن فهد، ۱۴۰۷ ق: ج ۵، ۳۰۴). اما توجیه مزبور در صورتی که فاصله دو جنایت کوتاه باشد، به نحوی که فرصت بهره‌مندی از منافع در فاصله دو جنایت پیش نیاید، طرح کردنی نیست (حسینی عاملی، ۱۳۲۶ ق: ج ۱۰، ۴۱۸؛ نجفی، ۱۴۰۴ ق: ج ۴۳، ۲۳۸).

بنابراین، روایت عجلان در این زمینه نمی‌تواند مبنای عمل قرار گیرد. از این رو، با تضعیف روایت مزبور و همچنین خدشه در مستندات سایر اقوال، به نظر می‌رسد می‌توان با استناد به معتبره ظریف، به شرحی که پیش‌تر گذشت، به اثبات مدعا پرداخت: «فَإِنْ سَقَطَتْ بَعْدُ وَ هِيَ سَوْدَاءُ فَدَيْتُهَا اثْنَا عَشَرَ دِينَاراً وَ نِصْفُ دِينَارٍ» (کلینی، ۱۴۰۷ ق: ج ۷، ۳۳۳).

البته ممکن است در روایت مزبور چنین خدشه شود که روایت ظریف به دو گونه نقل شده است: یکی نقل شیخ کلینی و شیخ طوسی و دیگری نقل شیخ صدوق، بدین صورت که در کافی

و تهذیب دیه افتادن دندان سیاه دوازده و نیم دینار آمده است و در فقیه ۲۵ دینار آمده است (صدوق، ۱۴۱۳ ق: ج ۴، ۸۳). از این رو، این دو نقل با هم در تعارض قرار می‌گیرند و به دلیل چنین تعارضی نمی‌توان به هیچ کدام از آنها استناد کرد.

به این ایراد چنین پاسخ داده می‌شود که تعارض در مقدار زائد بر یک چهارم است، ولی نسبت به یک چهارم بین هر دو نقل اتفاق وجود دارد. بنابراین، یک چهارم دیه لامحاله ثابت شده است و زائد بر یک چهارم با اصل برائت منتفی می‌شود. به عبارت دیگر، کتاب ظریف مشتمل است بر بیان میزان دیه دندان سیاه، ولی بین یک چهارم و نصف دیه دندان مردّد است که به قدر متیقّن که همان یک چهارم دینار است اکتفاء می‌شود و در میزان زائد بر آن که شک وجود دارد اصل برائت جاری می‌شود. همچنین، مشهور است که شیخ کلینی در ضبط و نقل روایات از شیخ صدوق دقیق تر است، به ویژه در جایی که نقل شیخ طوسی نیز مطابق با آن باشد و اینکه هیچ یک از فقیهان امامیه به آنچه در فقیه آمده است عمل نکرده‌اند (خویی، ۱۴۲۲ ق: ج ۲، ۳۷۰-۳۶۹).

البته ممکن است استظهار از روایت ظریف با مناقشاتی به قرار ذیل روبرو شود:

الف- هیچ کدام از فقها در فرض مسئله به روایت ظریف عمل نکرده‌اند (حسینی عاملی، ۱۳۲۶ ق: ج ۱۰، ۴۱۸؛ مدنی کاشانی: ۱۴۰۸ ق، ۲۱۴). از این رو، این خبر کنار گذاشته می‌شود (روحانی، ۱۴۱۲ ق: ج ۲۶، ۲۷۰).

ب- در قواعد تعارض، میان اخباری که به چند نقل آمده‌اند، اضط بودن کلینی از مرجّحات محسوب نمی‌شود تا خبر کلینی بر خبر صدوق ترجیح داده شود. از این رو، هر دو نقل در تعارض با هم تساقط می‌کنند (روحانی، ۱۴۱۲ ق: ج ۲۶، ۲۷۰).

پ- در تعارض میان خبر ظریف و روایت عرزمی، خبر دوّم مقدم می‌شود؛ زیرا روایت مزبور مورد عمل اصحاب قرار گرفته است و اصحاب از روایت ظریف اعراض کرده‌اند (حسینی عاملی، ۱۳۲۶ ق: ج ۱۰، ۴۱۸؛ مدنی کاشانی، ۱۴۰۸ ق: ۲۱۴؛ روحانی، ۱۴۱۲ ق: ج ۲۶، ۲۷۰).

در پاسخ به ایرادات فوق می‌توان گفت: نخست، اسقاط و یا عدم اسقاط حجّیت روایت با اعراض مشهور از آن یک مسئله مبنایی است. از این رو، گرچه بسیاری از اصولیون اعراض مشهور

از روایت را موجب اسقاط حجّیت روایت می‌دانند، در مقابل برخی از اصولیون نیز اعراض مشهور از روایت را سبب اسقاط حجّیت و اعتبار آن ندانسته‌اند؛ زیرا ادکّه اعتبار خبر واحد مطلق هستند و حجّیت آن را مقید به قید و یا مخصّص به خصوصیتی نکرده‌اند. بنابراین، حتی اگر ظنی (همچون اعراض مشهور از روایت) برخلاف خبر واحد صحیح تحقّق یابد، حجّیت آن ساقط و منتفی نخواهد شد (خراسانی، ۱۴۰۹ ق: ۳۳۲ و ۳۳۳؛ خویی، ۱۴۱۸ ق: ج ۱، ۲۳۶). دوّم، پیش‌تر در نقد دیدگاه مشهور گذشت که روایت عرزمی از ضعف سند رنج می‌برد و قابلیت استناد ندارد. البته ممکن است برخی قائل به تصحیح سند باشند و چنین استدلال کنند که شهرت عملی موافق مدلول خبر است و موجب جبران ضعف سند می‌شود. اما باید توجه داشت که نظریه جبران سند به عمل مشهور خود مبنایی است که محلّ مناقشه بسیاری از عالمان رجالی است (ر.ک: خویی، ۱۳۷۷ ش: ج ۲، ۲۰۱). افزون بر این، استناد مشهور نیز به روایت عرزمی نامشخص است، چراکه بسیاری از ایشان حکم مسئله را صرفاً در قالب فتوا بیان کرده و همان‌گونه که پیش‌تر گذشت هیچ کدام از فقیهان متقدّم متعرض روایت مزبور نشده‌اند و ظاهراً محقّق حلّی نخستین فقیهی است که در یکی از آثار خود به این روایت استناد کرده است (محقّق حلّی، ۱۴۱۲ ق: ج ۳، ۴۳۷). سوّم، برخلاف دیدگاه برخی از فقیهان، باید گفت در تعارض میان اضبط و ضابط، اصالت عدم خطاء در اضبط جاری می‌شود، به ویژه در فرض مسئله که اضبط بودن کلینی همراه با مؤیداتی از قبیل مطابقت نقل شیخ طوسی با آن است.

بنابراین، با توجه به ایرادات وارده بر دیدگاه‌های ثبوت ثلث دیه، ارش و دیدگاه تفصیلی و توجیه‌پذیر نبودن این ایرادات و از طرفی با توجه به ادکّه محکم و مؤیدات موجود بر دیدگاه ثبوت ربع دیه، نظریه مزبور دفاع کردنی و موجه به نظر می‌رسد.

نتیجه

مطابق آنچه در نوشتار حاضر گذشت، در باب میزان دیه کندن دندان سیاه، چهار دیدگاه در فقه امامیه شناسایی کردنی هستند. نخستین دیدگاه قول مشهور است که قائل به ثبوت ثلث دیه دندان

سالم است. این دیدگاه از آن جهت مورد مناقشه است که روایت عرزمی روایتی ضعیف است و عمل مشهور بدان نیز از آنجا که هیچ کدام از فقیهان متقدم بدان استناد نکرده‌اند نمی‌تواند جبران ضعف سند آن باشد. روایت حکم نیز از آنجا که اخص از مدعاست در این مورد استنادکردنی نیست. استدلال به «باقی ماندن ثلث دیه دندان پس از ثبوت دو ثلث دیه دندان با سیاه شدن آن» نیز استحسان محض است و اجماع ادعایی نیز ناتمام و غیرمحقق است. دیدگاه ثبوت ارش نیز به دلیل وجود روایت معتبره ظریف که برای قلع دندان سیاه دیه معین کرده است پذیرفتنی نیست و در واقع اجتهاد در مقابل نص است. دیدگاه تفصیلی مرحوم سبزواری نیز به دلیل عدم تحقق اجماع ادعایی، ضعف روایت عرزمی، ضعف روایت عجلان، مطلق بودن روایت عرزمی و عدم انصراف روایت نسبت به تفصیل ایشان پذیرفته نشد. با رد سه دیدگاه فوق به نظر می‌رسد تنها دیدگاه دفاع کردنی در مسئله دیدگاه ثبوت ربع دیه دندان سالم است، البته نه از جهت اعتبار روایت عجلان؛ زیرا روایت مزبور از ضعف سندی رنج می‌برد. در واقع، نظریه ثبوت ربع دیه با استناد به معتبره ظریف موّجه و دفاع کردنی به نظر می‌رسد. در پایان پیشنهاد می‌شود با توجه به دستاوردهای پژوهش، قانونگذار ماده ۶۱۹ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ را که مطابق با قول مشهور سامان یافته است اصلاح کند.

منابع

- ابن ادريس، محمد بن احمد. (۱۴۱۰ ق). *السرائر الحاوی لتحرير الفتاوى*، چاپ دوّم، قم، دفتر انتشارات اسلامي وابسته به جامعه مدرسين حوزه علميّه قم.
- ابن براج، عبدالعزيز بن نحرير. (۱۴۰۶ ق). *المهذب*، چاپ اول، قم، دفتر انتشارات اسلامي وابسته به جامعه مدرسين حوزه علميّه قم.
- ابن حمزه، محمد بن علي. (۱۴۰۸ ق). *الوسيله الى نيل الفضيله*، چاپ اول، قم، انتشارات كتابخانه آيه الله مرعشي نجفي (ره).
- ابن زهره، حمزه بن علي. (۱۴۱۷ ق). *غنيه النزوع الى علمي الأصول و الفروع*، چاپ اول، قم، مؤسسه امام صادق عليه السلام.
- ابن سعيد، يحيى بن احمد. (۱۴۰۵ ق). *الجامع للشرائع*، چاپ اول، قم، مؤسسه سيد الشهداء العلميه.
- ابن فهد حلي، احمد بن محمد. (۱۴۱۰ ق). *المقتصر من شرح المختصر*، چاپ اول، مشهد، مجمع البحوث الاسلاميه.
- (۱۴۰۷ ق). *مهذب البارع في شرح المختصر النافع*، چاپ اول، قم، دفتر انتشارات اسلامي وابسته به جامعه مدرسين حوزه علميّه قم.
- ابوالصلاح حلي، تقى بن نجم. (۱۴۰۳ ق). *الكافي في الفقه*، چاپ اول، اصفهان، كتابخانه عمومي امام اميرالمؤمنين عليه السلام.
- اسدي حلي، حسن بن يوسف بن علي بن مطهر. (۱۴۱۰ ق). *ارشاد الأذهان*، چاپ اول، قم، دفتر انتشارات اسلامي وابسته به جامعه مدرسين حوزه علميّه قم.
- (۱۴۲۰ ق). *تحريير الاحكام الشرعيّه على مذهب الإماميه*، چاپ اول، قم، مؤسسه امام صادق عليهم السلام.
- (۱۴۲۱ ق). *تلخيص المرام*، چاپ اول، قم، انتشارات دفتر تبليغات اسلامي حوزه علميّه قم.

- (۱۴۱۳ ق). قواعد الاحکام فی معرفه الحلال و الحرام، چاپ اول، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- (۱۴۱۳ ق). مختلف الشیعه فی احکام الشریعه، چاپ دوم، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- تبریزی، جواد بن علی. (۱۴۲۸ ق). تنقیح مبانی الاحکام - کتاب الديات، چاپ اول، قم، دار الصدیقه الشهیده سلام الله علیها.
- حر عاملی، محمد بن حسن. (۱۴۰۹ ق). تفصیل وسائل الشیعه إلى تحصیل مسائل الشریعه، چاپ اول، قم، مؤسسه آل البيت علیهم السلام.
- حسینی عاملی، محمد جواد بن محمد. (۱۳۲۶ ق). مفتاح الکرامه فی شرح قواعد العلامه، چاپ اول، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- حکیم، محمد سعید. (۱۴۱۵ ق). منهاج الصالحین، چاپ اول، بیروت، دار الصفوه.
- حکیم، محمد تقی بن محمد سعید. (۱۴۱۸ ق). الأصول العامه فی الفقه المقارن، چاپ دوم، قم، بی جا.
- خراسانی، محمد کاظم بن حسین. (۱۴۰۹ ق). کفایه الأصول، چاپ اول، قم، طبع آل البيت.
- خوانساری، احمد. (۱۴۰۵ ق). جامع المدارک فی شرح مختصر النافع، چاپ دوم، قم، مؤسسه اسماعیلیان.
- خوبی، ابوالقاسم. (۱۴۲۲ ق). مبانی تکمله المنهاج، چاپ اول، قم، مؤسسه احیاء آثار الإمام الخوئی (ره).
- (۱۴۲۸ ق). مصباح الاصول، چاپ اول، قم، مؤسسه احیاء آثار الإمام الخوئی (ره).
- خمینی، روح الله. (۱۴۲۷ ق). تحریر الوسیله، چاپ اول، قم، مؤسسه مطبوعات دار العلم.
- روحانی، صادق. (۱۴۱۲ ق). فقه الصادق علیه السلام، چاپ اول، قم، دار الکتاب - مدرسه امام صادق علیه السلام.

- سبزواری، عبدالعلی. (۱۴۱۳ ق). *مهذب الاحکام*، چاپ چهارم، قم، مؤسسه المنار – دفتر حضرت آیه الله.
- سلار دیلمی، حمزه بن عبدالعزیز. (۱۴۰۴ ق). *المراسم العلویه و الأحکام النبویه فی الفقه الإمامی*، چاپ اول، قم، منشورات الحرمین.
- صدوق، محمد بن علی. (۱۴۱۳ ق). *من لا یحضره الفقیه*، چاپ دوم، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- صدوق، محمد بن علی بن بابویه. (۱۴۱۵ ق). *المقنع*، چاپ اول، قم، مؤسسه امام هادی علیه السلام.
- صیمری، مفلح بن حسن. (۱۴۲۰ ق). *غایه المرام فی الشرح شرائع الاسلام*، چاپ اول، بیروت، دار الهادی.
- طباطبائی، علی بن محمد علی. (۱۴۱۸ ق). *ریاض المسائل*، چاپ اول، قم، مؤسسه آل البيت عليهم السلام.
- طباطبائی، علی بن محمد علی. (۱۴۰۹ ق). *الشرح الصغیر فی شرح مختصر النافع*، چاپ اول، قم، انتشارات کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی قدس سره.
- طوسی، محمد بن حسن. (۱۴۰۷ ق). *الخلاص*، چاپ اول، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- (۱۳۸۷ ق). *المبسوط فی فقه الإمامیه*، چاپ سوم، تهران، المكتبة المرتضویة لإحياء الآثار الجعفریة.
- (۱۴۰۰ ق). *النهایه فی مجرد الفقه و الفتاوی*، چاپ دوم، بیروت، دار الكتاب العربی.
- (۱۴۰۷ ق). *تهذیب الاحکام*، چاپ اول، تهران، دار الکتب الإسلامیة.
- عاملی جبعی، زین الدین بن علی. (۱۴۱۰ ق). *الروضه البهیة فی شرح اللمعة الدمشقیة*، چاپ اول، قم، کتاب فروشی داوری.

- (۱۴۱۳ ق). مسالك الافهام إلى تنقيح شرائع الاسلام، چاپ اول، قم، مؤسسه المعارف الإسلامیة.
- فاضل لنکرانی، محمد. (۱۴۱۸ ق). تفصیل الشریعه فی شرح تحریر الوسیله، چاپ اول، قم، مرکز فقهی ائمه اطهار علیهم اسلام.
- فاضل مقداد، مقداد بن عبدالله. (۱۴۰۴ ق). التنقیح الرائع لمختصر الشرائع، چاپ اول، قم، انتشارات کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی (ره).
- فاضل هندی، محمد بن حسن. (۱۴۱۶ ق). کشف اللثام و الابهام عن قواعد الأحکام، چاپ اول، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- فخر المحققین، محمد بن حسن. (۱۳۸۷ ق). ایضاح الفوائد، چاپ اول، قم، مؤسسه اسماعیلیان.
- فیض کاشانی، ملا محسن. (بی تا). مفاتیح الشرائع، چاپ اول، قم، انتشارات کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی (ره).
- قبله ای خویی، خلیل. (۱۳۹۴ ش). ترجمه و تعلیق بر مبانی تکمله المنهاج (دیات)، چاپ اول، تهران، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی (سمت)، مرکز تحقیق و توسعه علوم انسانی.
- قطب الدین کیدری، محمد بن حسین. (۱۴۱۶ ق). اصباح الشیعه بمصباح الشریعه، چاپ اول، قم، مؤسسه امام صادق علیه السلام.
- کلینی، محمد بن یعقوب. (۱۴۰۷ ق). الکافی، چاپ چهارم، تهران، دار الکتب الإسلامیة.
- هذلی حلّی، نجم الدین جعفر بن حسن بن یحیی. (۱۴۰۸ ق). شرایع الاسلام فی مسائل الحلال و الحرام، چاپ دوم، قم، مؤسسه اسماعیلیان.
- (۱۴۱۲ ق). نکت النهایه، چاپ اول، قم، دفتر انتشارات اسلامی.
- مدنی کاشانی، رضا. (۱۴۰۸ ق). کتاب الدیات، چاپ اول، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- مظفر، محمدرضا. (۱۴۳۰ ق). أصول الفقه، چاپ پنجم، قم، طبع انتشارات اسلامی.

- مقدّس اردبیلی، احمد بن محمد. (۱۴۰۳ ق). مجمع الفائده و البرهان فی شرح إرشاد الأذهان، چاپ اوّل، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیّه قم.
- مکارم شیرازی، ناصر. (۱۴۲۸ ق). انوار الأصول، چاپ دوّم، قم، نسل جوان.
- موسوی اردبیلی، عبدالکریم. (۱۴۱۶ ق). فقه الادیات، چاپ اوّل، قم، منشورات مکتبه امیرالمؤمنین.
- نائینی، محمدحسین. (۱۳۵۲ ش). أجود التقریرات، چاپ اوّل، قم، مطبعه العرفان.
- نجفی، محمدحسن. (۱۴۰۴ ق). جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام، چاپ هفتم، بیروت، دار إحياء التراث العربی.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی